

بررسی انگیزه‌ی ازدواج در بین دختران و پسران نامزد

احمد امانی^۱

استادیار گروه مشاوره‌ی خانواده، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان

داوود بهزاد

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه جامع علمی کاربردی، بهزیستی بندرعباس

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۳ پذیرش مقاله: ۹۱/۷/۹

چکیده

هدف: میزان گرایش به ازدواج در هر جامعه‌ای بر اساس انگیزه مندی افراد آن جامعه قابل تبیین است. انگیزه فرآیندی درونی است که رفتار را نیرومند و هدایت می‌کند و فصل مشترک نیازها، شناخت‌ها و هیجان‌ها است. این که کدام دسته از عوامل در تعیین گرایش و انگیزش افراد برای ازدواج مؤثر می‌باشند، موضوعی است که در اینجا مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات است: الف) افراد در آستانه-ی ازدواج از چه میزان انگیزه‌مندی برای ازدواج برخوردارند؟ ب) آیا ابعاد مختلفی برای این انگیزه وجود دارد؟ ج) انگیزه‌های عاطفی از چه جایگاهی در گرایش به ازدواج برخوردار می‌باشند؟

روش: این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری کلیه‌ی دختران و پسران مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر همدان جهت اقدام برای ازدواج بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۱۵۶ نفر به‌عنوان آزمودنی انتخاب شدند. برای سنجش انگیزه مندی از مقیاس محقق ساخته با پایایی آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و در تحلیل متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی استفاده شد.

یافته‌ها: براساس یافته‌ها ۸۰٪ آزمودنی‌ها در حد متوسطی برای ازدواج انگیزه داشتند. میزان اهمیت و دلایل در میان دو جنس و در گروه‌های سنی و تحصیلی تفاوت معناداری را نشان داد. در تحلیل عاملی شش مولفه‌ی انگیزه‌ی نامناسب، عاطفی، روان‌شناختی، زیستی، اجتماعی و بدون دلیل حاصل گردید.

نتیجه‌گیری: در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت اگرچه افراد از میزان انگیزه‌مندی قابل قبولی برای ازدواج برخوردارند؛ اما توجه به چگونگی و کیفیت آن باتوجه به گرایش که بیشتر معطوف به وجوه منفی و هیجانی آن است، می‌تواند نکته‌ی قابل تأملی برای محققان و روان‌شناسان حوزه‌ی ازدواج و خانواده تلقی گردد.

واژگان کلیدی: انگیزه‌ی ازدواج، نامزد، دختران و پسران.

¹. ahmad_counselor@yahoo.com

مقدمه

ازدواج از دیرباز تاکنون در تمامی جوامع پدیده‌ای فراگیر و همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. در گذشته ازدواج به‌عنوان باب ورود به‌کانون خانواده، امری بدیهی و طبیعی پنداشته شده و تصمیم برآن متأثر از سازوکارهای زیستی و اجتماعی بود، اما امروزه انتخاب همسر و اقدام به ازدواج یکی از تصمیم‌های اساسی و مهم در فرآیند زندگی محسوب می‌گردد. چراکه ابعاد مختلف زندگی افراد را متأثر ساخته و بخش مهمی از آینده و سرنوشت آنان را رقم می‌زند. دیگر همچون گذشته، ازدواج‌ها صرفاً بر اساس سنت‌های جمعی معمول صورت نمی‌گیرد، در عوض گرایش فردی به استقلال در امر انتخاب، همراه با بالارفتن سطح توقعات و گستره‌ی انتظارات از ازدواج و همسر، در کنار طیف گسترده‌ای از ملاک‌ها و هنجارهای گاه متناقض، انگیزه‌مندی افراد را برای ازدواج در شرایط کنونی دچار چالش ساخته به‌طوری‌که گاه افراد با تردید، نگرانی و دودلی به آن نظر می‌کنند (بهزاد، ۱۳۸۹). اهداف و انگیزه‌های متفاوتی در میان افراد جوامع گوناگون و حتی در یک جامعه در زمان‌های مختلف بر ازدواج مترتب بوده است. ماهیت وابستگی به فرهنگ ازدواج باعث می‌گردد تا هرگونه تحلیل و تبیینی از آن مبتنی بر مختصات فرهنگی اجتماعی و در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه صورت پذیرد (بهزاد، ۱۳۸۹). برای مثال اندیشمندان غربی با رویکرد اقتصادی ازدواج (استیونسون و ولفرز^۱، ۲۰۰۷) با بررسی روند تغییرات ازدواج در طول دهه‌های اخیر معتقدند چنانچه مزایای تأهل بر تجرد در جامعه پیشی بگیرد، گرایش افراد به ازدواج افزایش می‌یابد. در عوض در اسلام ازدواج بخشی اساسی از باورهای فرهنگی و مذهبی محسوب شده و مهم‌ترین هدف آن، ایجاد کانونی است که در آن زن و مرد در کنار یکدیگر احساس آرامش کنند^۲.

طبق تعریف ریو^۳ (۲۰۰۵) انگیزه؛ فرآیندی درونی است که رفتار را نیرومند ساخته و هدایت می‌کند. انگیزه اصطلاحی کلی برای مشخص کردن زمینه‌ی مشترک نیازها، شناخت‌ها، و هیجان‌ها است. ازدواج تابعی است از این س عامل که متأثر از انگیزه‌های درونی و بیرونی است. انگیزه‌های درونی عموماً شامل نیازها هستند که خود به انواع زیستی، روانی و اجتماعی قابل تقسیم هستند. همانگونه که عشق مهم‌ترین وجه هیجانی انگیزش ازدواج را تشکیل می‌دهد، دلایل ازدواج نیز به وجه شناختی انگیزش اشاره دارد و دربرگیرنده‌ی باورها، نگرش‌ها و انتظارات افراد درباره‌ی ازدواج می‌باشد. بر این اساس انگیزه مندی ازدواج تا حدود زیادی به میزان احتمال تحقق باورها، نگرش‌ها و ترجیحات فرد بستگی پیدا می‌کند. بنابر این بخش مهمی از انگیزه‌مندی مناسب و کافی برای ازدواج در گرو رشد ابعاد شناختی آن یعنی یافتن چرایی منطقی ازدواج، برخورداری از عقاید و نگرش‌های منطقی، و بالأخره تعیین اولویت‌ها و انتظارات واقع بینانه نسبت به ازدواج و انتخاب همسر می‌باشد.

در خصوص چگونگی و اهمیت انگیزه‌ها و انتظارات متفاوتی که هرکسی برای ازدواج دارد، یافته‌های تحقیقی نشان داده اند؛ توقعات غیرواقع‌بینانه، به ازدواج‌هایی خواهد انجامید که نسبت به ازدواج‌های حاصل از توقعات حقیقی در زندگی، از رضایت کمتری برخوردارند (برادبوری و فینچام، ۱۹۸۸، به نقل از کلینک^۴، ص ۲۵۴).

1. Stevenson & Wolfers

2. سوره روم آیه ۲۱.

3. Rio

4. klink

محقق استرالیایی لنه وولکو در بررسی خود دریافت که انتظارات واقعی و متجانس زوجین از ازدواج، عامل مهمی در تعیین آینده‌ی ازدواج آنان است. در تحقیق وی بسیاری از افراد مطلقه انتظارات غیرواقعی از ازدواج‌شان داشته‌اند (به نقل از جعفری نژاد ۲۷، ص ۱۳۸۳). به عقیده‌ی بسیاری از صاحب‌نظران، داشتن باورهای واقعی درباره‌ی ازدواج به‌عنوان یکی از عوامل فردی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت ازدواج می‌تواند مطرح باشد (فقیرپور ۱۳۸۴). از این رو امروزه متخصصان خانواده و ازدواج از جمله اولسون^۲ (۱۹۹۹) بر آمادگی‌هایی که افراد بایستی قبل از ازدواج کسب کنند، تأکید ورزیده و داشتن انتظارات صحیح از ازدواج را در رأس برنامه‌ی آمادگی و غنی‌سازی ازدواج قرار می‌دهد. ایشان بر این باورند که «چون روابط افراد قبل از ازدواج بیشتر گرایش به جنبه‌های عاطفی دارد تا منطقی- و این خود در چگونگی انتخاب آنها تأثیرگذار می‌باشد- لذا آموزش‌ها و مشاوره‌های زوجین به‌صورت فردی و گروهی برخلاف فضای رمانتیک بین زوجها، به آنها فرصت می‌دهد انتظارات غیرواقع‌بینانه و تصوّرات مبهم خود را شفاف سازند (باگاروزی و راثون ۱۹۸۱؛ هِنن و آرکوس^۳ ۱۹۹۳ به نقل از آرکوس ۱۹۹۵). هم‌چنین بررسی‌ها نیز بر نقش آموزش در تغییر نگرش احساسی به نگرش منطقی جوانان نسبت به انتخاب همسر تأکید دارند (ایروانی، ۱۳۸۹). سایر یافته‌ها (بهزاد، ۱۳۸۹) نیز نشان داده‌اند که یکی از نیازهای آموزشی جوانان قبل از ازدواج مبحث مربوط به دلایل و انگیزه‌های ازدواج، در آموزش قبل از ازدواج بوده است.

تفاوت در دلایل و انگیزه‌ها نه‌تنها در انتخاب زوج مناسب و ازدواج مؤثر است؛ بلکه در تداوم بهینه‌ی زندگی نیز تأثیر بسزایی دارد چرا که توافق زوجین بر سر این دلایل و انتظارات، اولین قدم در راستای تحقق بخشیدن به آن است و در غیر این‌صورت زمینه‌ی اختلاف، تعارض و ناکامی فراهم می‌گردد. یافته‌ها نیز بر این دلالت دارند که از میان عوامل مختلفی که در بروز اختلافات زناشویی و طلاق مؤثرند، داشتن انتظارات غیرمنطقی و باورهای نادرست نسبت به زندگی مشترک به‌عنوان یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده محسوب می‌شود (مهین ترابی، ۱۳۷۸).

همچنین در مورد تفاوت انگیزه‌ها، افراد مختلف با توجه به وضع تحصیلات، سن، فرهنگ و غیره دلایل مختلفی را در ازدواج خویش دخیل می‌دانند. به‌طوری‌که در بررسی منصوریان (۱۳۸۸) مهم‌ترین اهداف ازدواج از دیدگاه افراد ۱۸ تا ۳۵ ساله به‌ترتیب: ارضای میل جنسی ۳۰٪، رسیدن به آرامش روحی ۲۹٪، حفظ دین و سنت ۱۱٪، بقای نسل ۵٪، فرار از تنهایی ۲٪، تکمیل‌کننده وجود انسان ۱٪ و همه موارد ۲۱٪ بوده است. هم‌چنین در خصوص دسته‌بندی انگیزه افراد برای ازدواج؛ انگیزه‌ی جنسی ۴۶٪، انگیزه رفتاری ۲۳٪، انگیزه اجتماعی ۲۲٪ و انگیزه اخلاقی ۹٪ را شامل می‌شد.

تفاوت انگیزه‌ها در میان دو جنس تحقیقات سراج زاده (۱۳۸۵) حاکی از آن است که تفاوت قابل ملاحظه‌ای در نگرش دانشجویان دختر و پسر نسبت به موضوعات خانواده و ازدواج وجود دارد که از جمله ایلدرآبادی (۱۳۸۵) تفاوت‌های معناداری را در معیارهای انتخاب همسر در بین دو جنس مشاهده نمود. در بررسی اولویت‌بندی ملاک‌های انتخاب همسر نیز (صداقت، ۱۳۸۵) پسران به ملاک‌هایی هم‌چون تطابق هیجانی، جاذبه‌ی جنسی، وفاداری، زیبایی، اصالت خانواده، خوش‌اندازی، پاکدامنی، هوش و پوشش اولویت داده در حالی که دختران به ملاک‌هایی

1. Wolcoh, llene

2. Olson, D

3. Bagarozzi & Rauen, Hennon & Arcus

چون شغل همسر، حس مسئولیت، مدرک تحصیلی، استقلال فکری و مالی، حس مشورت، مسکن و صداقت اولویت می‌دهند. در بررسی تفاوت انگیزه‌ها میان افراد، دادخواه (۱۳۸۳) به مقایسه‌ی انگیزه ازدواج بین افراد نابینا و افراد بینا بر اساس مدل سلسله مراتب نیازهای مازلو پرداخته که نتایج نشان داد که در نیاز به احترام و خودشکوفایی در انگیزه‌ی ازدواج این دو گروه، تفاوت معناداری وجود داشته است.

اولسون (۱۹۹۹) مهم‌ترین دلایل مثبت ازدواج را شامل مصاحبت و دوستی، عشق و صمیمیت، داشتن شریک حمایت کننده، داشتن شریک جنسی و نقش والدینی دانسته و در خصوص دلایل منفی نیز مواردی چون باردار شدن قبل از ازدواج، طغیان علیه والدین، استقلال طلبی، سرخوردگی، فشار خانواده یا فشار اجتماعی و تأمین اقتصادی را برمی‌شمرد.

پاروت^۱ (۱۹۹۸) موارد عشق در نگاه اول، جذابیت جنسی و احساس گناه ناشی از درگیری جنسی، احساس تنهایی، احساس وظیفه، دین و الزام نسبت به خود یا طرف مقابل را به این فهرست دلایل منفی اضافه می‌کند. فلیپ رایس^۲ (۲۰۰۰) معایب مجرد ماندن را شامل؛ تنهایی و نداشتن مصاحب، تنگی معیشت، احساس وصله‌ی ناجور بودن، ناکامی جنسی، نداشتن فرزند، پیش‌داوری و عدم تأیید سبک زندگی افراد مجرد توسط اجتماع برمی‌شمرد و مهم‌ترین حسن متأهل بودن از نظر افراد متأهل و مجرد را مصاحبت و عشق معرفی می‌کند. در تحقیقی (سیمپسون^۳، ۱۹۸۶) از جوانان سؤال شد «چنانچه طرف مقابل شما تمام ویژگی‌های مطلوب مورد نظر شما را داشته باشد؛ اما شما عاشق او نباشید، آیا با وی ازدواج خواهید کرد؟» حداقل هشتاد درصد افراد به آن پاسخ منفی دادند. همگی این یافته‌ها اشاره دارند بر یکی از تحولات اساسی در معنای ازدواج در قرن اخیر که به تعبیر چرلین^۴ (۲۰۰۴) تغییر ازدواج از نهادی سنتی به ازدواج دوستانه است که در آن تأکید بر انتخاب فردی و رشد شخصی بوده و دو طرف همدیگر را به مثابه‌ی دوست یا شریک با اهدافی مشترک می‌بینند که عشق و رضایت هیجانی معیار اصلی آن است (به نقل از ماس^۵، ۲۰۰۸). این در حالی است که از نظر روان‌شناسانی همچون اولسون (۱۹۹۹) عشق پیش‌گوی خوبی برای یک ازدواج موفق نخواهد بود و یافته‌های ویلکاکس و دیو^۶ (۲۰۱۰) نیز آن را تأیید می‌کنند چرا که ازدواج‌هایی که بر اساس عشق صورت می‌گیرند، علیرغم رضایت خاطر بالا، سطوح بالایی از تعارض و طلاق را دربردارند.

فضای رمانتیک حاکم بر ازدواج، افراد را در تشخیص و تعیین دلایل و انگیزه‌های ازدواجی خود با چالش مواجه ساخته و با غلبه‌ی وجوه هیجانی بر شناختی بسیاری از اولویت‌های اصلی در نظر آنان رنگ می‌بازد. اولسون (۱۹۹۹) معتقد است «زوج‌ها اغلب در تشخیص انگیزه‌ها و اعمال خود به شیوه‌ی عینی مشکل دارند. منطقی بودن و واقعی بودن درباره‌ی دلایل ازدواج کار آسانی نیست؛ اما آن‌هایی که با دلایل مثبت ازدواج می‌کنند، ازدواج‌های شادتری دارند تا آنهایی که با دلایل منفی ازدواج می‌کنند».

1. Parrot

2. Rice, F

3. Simpson, J

4. Cherlin

5. Maass, V.S

6. Wilcox, W & Dew, B

بر این اساس تحقیق حاضر به بررسی این موضوع پرداخته و با سنجش میزان انگیزه مندی افراد برای ازدواج در صدد آن است تا دلایل آنان را برای ازدواج در ابعاد مختلف آن اعم از مثبت و منفی تعیین نموده و جایگاه و ارتباط آنها را در چارچوب یک مقوله‌بندی معنادار تبیین نماید. لذا این تحقیق درصدد پاسخ به سئوالات زیر بود: افراد در آستانه‌ی ازدواج چه اندازه برای ازدواج انگیزه‌مند هستند؟ چه ابعادی می‌توان برای انگیزه‌های ازدواج در نظر گرفت؟ (۳) انگیزه‌های عاطفی در میان سایر انگیزه‌ها از چه جایگاهی برخوردار است؟

روش

این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش کلیه-ی دختران و پسران مراجعه کننده به مراکز بهداشتی جهت انجام آزمایش‌های قبل از عقد در شهر همدان در سال ۱۳۹۰ در نظر گرفته شدند. دلیل انتخاب گروه مزبور قصد جدی و تصمیم عملی افرادی است که در آستانه‌ی ازدواج قرار دارند؛ زیرا انتظار می‌رود که ایشان نسبت به مجردان در رابطه با انگیزه‌های خود به صراحت رسیده، به‌طور نسبی به درک عینی‌تر و عملی‌تری از انگیزه‌های ازدواجشان رسیده باشند. لذا با توجه به محدودیت‌های نمونه‌گیری تصادفی از جمله فقدان لیست مشخصات و غیره، از میان آن‌ها به صورت نمونه‌گیری در دسترس از میان مراجعان در طول یک‌ماه، در روزهای متوالی نمونه‌ای انتخاب گردید که شامل ۱۵۶ نفر (۷۸ زوج) بوده و دو زوج نیز به دلیل مخدوش بودن پرسش‌نامه‌شان حذف شده‌اند. دامنه‌ی سنی گروه نمونه بین ۱۴ تا ۳۴ سال با میانگین سنی ۲۳ سال بود.

ابزار: برای تهیه‌ی پرسش‌نامه محقق ساخته دلایل ازدواج بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای، مرور منابع و مصاحبه با افراد پرسش‌نامه‌ای با ۲۰ گویه طراحی گردید که با بررسی آن توسط افراد صاحب‌نظر روانی صوری و محتوای آن تعیین گردید. پرسش‌نامه‌ی مزبور شامل ۲۰ گویه بوده و هر گویه بر یکی از دلایل اشاره داشته که بر اساس طیف نمرات از کمترین شدت (صفر) تا بیشترین شدت (۱۰) با نمره‌گذاری توسط آزمودنی، میزان اهمیت هر یک از دلایل تعیین می‌شود. جمع کلی پرسش‌نامه، میزان انگیزه مندی فرد را برای ازدواج مشخص می‌سازد که دامنه‌ی نمرات هر آزمودنی بین صفر تا ۲۰۰ بوده و با توجه به نزدیکی شاخص‌های میانه و میانگین نقطه برش نمرات بر روی ۱۰۰ قرار می‌گیرد، نمرات بالاتر، شدت انگیزه مندی فرد را نشان می‌دهد. اعتبار این پرسش‌نامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در یک مطالعه‌ی مقدماتی با تعداد ۳۰ نمونه‌ی اولیه که به‌صورت تصادفی از میان زوجها انتخاب گردیدند ضریب آلفا ۰/۸۱ و در بررسی نهایی ۰/۸۷ به‌دست آمد.

روش گردآوری اطلاعات: در تحقیق مزبور که به شیوه‌ی پیمایشی اجرا گردید، ضمن توجیه شرکت‌کنندگان در مورد هدف تحقیق، برای جلوگیری از سوگیری پاسخ‌ها، پرسش‌نامه‌ها به‌طور مجزا به هر یک از زوجین داده شد، به‌طوری که بتوانند مستقل از یکدیگر به سئوالات پاسخ داده و مانع تداخل احتمالی پاسخ‌ها گردد. همچنین در تبیین داده‌ها به منظور بررسی معناداری تفاوت‌های میزان انگیزه مندی در گروه‌های جنسی، سنی و تحصیلی از آزمون F و T و برای تعیین ارتباط بین هر یک از انگیزه‌ها از ضریب هم‌بستگی پیرسون و از تحلیل عاملی برای به‌دست آوردن مقولات مقیاس مزبور استفاده شد.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های حاصل از میان‌کلّ پاسخ‌گویان (۵۰٪ مذکر و ۵۰٪ مونث) ۲۳/۷٪ دارای سن ۲۰ سال و کمتر بوده، ۶۰/۵ درصد ۲۱ تا ۲۷ ساله بوده و ۱۵/۸ درصد بین ۲۸ تا ۳۴ سال داشتند. میزان تحصیلات آنان شامل ۲۸/۹٪ در حدّ راهنمایی و کمتر، ۴۲/۸٪ در حدّ دیپلم و دبیرستان و ۲۸/۳٪ دارای تحصیلات دانشگاهی بودند (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع فراوانی جنس، سن و تحصیلات آزمودنی‌ها

جنس	فراوانی و درصد	وضعیت تحصیلی	فراوانی و درصد	وضعیت سنی	فراوانی و درصد
دختر	(۷۶) ۵۰٪	راهنمایی و کمتر	(۴۴) ۲۸/۹٪	۲۰ سال و	(۳۶) ۲۳/۷٪
پسر	(۷۶) ۵۰٪	دیپلم و دبیرستان	(۶۵) ۴۲/۸٪	کمتر	(۹۲) ۶۰/۵٪
				۲۱-۲۷ سال	
		دانشگاهی	(۴۳) ۲۸/۳٪	۲۸-۳۴ سال	(۲۴) ۱۵/۸٪

باتوجه به جدول شماره‌ی یک بیشترین سطح تحصیلات در دوره‌ی دبیرستان و در دامنه‌ی سنی ۲۷-۲۱ سال بوده است.

جدول ۲. آزمون مقایسه‌ی میانگین انگیزه‌مندی ازدواج بر حسب جنس، تحصیلات و سن

متغیرها	درصد	میانگین	مقدار T	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
میزان کلی انگیزه مندی	کم ۳/۳٪ متوسط ۸۰/۳٪ زیاد ۱۶/۴٪	۱۱۲/۸	۵۳/۴۸۷	۱۵۱	۰/۰۰
میزان کلی انگیزه در دو جنس	جنس	میانگین	مقدار T		
	مونث	۱۱۰/۷	۱/۵۰۲	۱۵۰	۰/۲۲۲
	مذکر	۱۱۴/۸			
میزان کلی انگیزه بر حسب تحصیلات	میانگین مربعات	مجموع مربعات	مقدار F	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
	میان گروه‌ها ۵۳۲/۴۸۱	۱۰۶۴/۹۶۲	۰/۷۸۵	۲	۰/۴۵۸
	درون‌گروه‌ها ۶۷۷/۹۹۴	۱۰۱۰۲۱/۱۱۷		۱۴۹	
میزان کلی انگیزه بر حسب سنی	میانگین مربعات	مجموع مربعات	مقدار F	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
	میان گروه‌ها ۱۲۳۲/۶۸	۲۴۶۵/۳۷۶	۱/۸۴۴	۲	۰/۱۶۲
	درون گروه‌ها ۶۶۸/۵۹۵	۹۹۶۲۰/۷۰۳		۱۴۹	

بر اساس آزمون T انجام شده ($T=53/487, P=0/00$) تفاوت معناداری در میانگین انگیزه مندی افراد برای ازدواج در مقیاس کلی دیده‌می‌شود؛ همچنین بر حسب درصدها از میان پاسخ‌گویان ۳/۳٪ فاقد انگیزه‌مندی لازم برای ازدواج بوده، ۸۰/۳٪ در حدّ قابل قبولی انگیزه‌ی لازم را دارا بوده و ۱۶/۴٪ از انگیزه‌ی بسیار زیادی برای ازدواج برخوردار بودند. بر اساس آزمون T تفاوت معناداری در بین دو جنس ($T=1/502, P=0/222$) و همچنین

آزمون F نشان می‌دهد تفاوت معناداری برحسب تحصیلات ($F=0/785$, $P=0/458$) و سن ($P=0/162$)، $F=1/844$) در میزان کلی انگیزه‌ی ازدواج دیده نمی‌شود (جدول ۲).

جدول ۳. میزان اهمیت دلایل ازدواج بر حسب درصد و آزمون معناداری آن

هم‌چنین نتایج بیانگر آن است که به ترتیب نیاز به محبت بالاترین رتبه را در میان مجموع دلایل نزد پاسخ‌گویان به خود اختصاص داده و ازدواج به دلیل فشار و اصرار خانواده و اطرافیان کمترین رتبه را داشته است (جدول ۳).

جدول ۴. آزمون معناداری دلایل ازدواج در بین دو جنس

متغیرها	جنس	میانگین	مقدار T	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
تأمین نیازجنسی	مؤنث	۴/۶۵۷۹	-۳/۳۹۱	۱۵۰	۰/۰۰۱
	مذکر	۶/۰۹۲۱			
بخاطر بالا رفتن سن	مؤنث	۵/۰۱۳۲	-۱/۹۳۶	۱۵۰	۰/۰۵
	مذکر	۶/۱۳۱۶			
والد شدن و داشتن فرزند	مؤنث	۴/۸۲۲۶	-۲/۲۴۸	۱۵۰	۰/۰۲
	مذکر	۵/۹۰۷۹			
احساس روزمرگی، خستگی و بی‌هدفی	مؤنث	۳/۶۹۷۴	-۲/۲۲۴	۱۵۰	۰/۰۲
	مذکر	۴/۸۱۸۵			
نیاز به تکیه‌گاه	مؤنث	۵/۸۲۴۷	-۲/۳۶۱	۱۵۰	۰/۰۲
	مذکر	۴/۰۲۸۲			

در مقایسه‌ی تفاوت دلایل ابراز شده در باره‌ی ازدواج در بین دو جنس (جدول شماره ۴) تفاوت معناداری مشاهده شد به طوری که در میان دلایل مزبور در ۴ مورد (تأمین جنسی-بالا رفتن سن-والد شدن و احساس روزمرگی، بی‌هدفی) میانگین پسران به‌طور معناداری بالاتر از دختران بوده است.

جدول ۵. آزمون معناداری دلایل ازدواج در بین گروه‌های سنی

دلایل ازدواج	تفاوت میانگین‌ها در گروه‌های سنی	آزمون F	سطح معناداری
	۲۱-۲۷		
	۱۴-۲۰		
تأمین جنسی	۱/۹۸۶۱۱	۴/۱۵۴	۰/۰۱
بالا رفتن سن	۲/۹۵۸۳۳	۸/۹۵۰	۰/۰۰۰
کسب پذیرش اجتماعی	۱/۶۹۴۴۴	۲/۹۱۰	۰/۰۵

این تفاوت در بین گروه‌های سنی (جدول ۵) مختلف نیز مشاهده شد؛ در میان دلایل مزبور میانگین تأمین جنسی-بالا رفتن سن و کسب پذیرش اجتماعی در گروه سنی ۲۸-۳۴ به‌طور معناداری بالاتر از دیگر گروه‌ها می‌باشد.

جدول ۶. آزمون معناداری دلایل ازدواج در بین سطوح تحصیلی

سطح معناداری	تفاوت میانگین گروه‌های تحصیلی	آزمون F	سطح معناداری
دبیرستان	دانشگاهی		
کامل شدن	-۰/۸۸۲۵۲	-۲/۲۸۷۵۳	۸/۷۰۱
فشار و اصرار خانواده	۰/۴۸۶۳۶	-۱/۷۰۰۳۲	۴/۲۵۵
فرار از تنهایی	۰/۴۳۳۲۲	۲/۰۶۱۸۴	۵/۰۷۴
حمایت اقتصادی	۱/۵۲۲۷۳	-۱/۶۸۵۵۲	۵/۰۳۸

همچنین برحسب سطوح تحصیلی مختلف در میان دلایل مزبور در چهار مورد تفاوت معناداری دیده شد (جدول ۶)، به طوری که نیاز به کامل شدن در میان افراد تحصیل کرده میانگین بالاتری از دو گروه دیگر دارد در صورتی که نیاز به حمایت مالی و اقتصادی - فرار از احساس تنهایی و فشار اطرافیان برای ازدواج در میان افراد با تحصیلات راهنمایی و ابتدایی به‌طور معناداری متفاوت از دیگر گروه‌ها است. مقدار شاخص کفایت نمونه (KMO) برابر با ۰/۷۲۵ و اندازه‌ی آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی ۱۹۰ در سطح $P < ۰/۰۰۰$ برابر با ۹۱۱/۵۰۴ به دست آمد که هر دو معنادارند. شاخص کفایت نمونه‌برداری توضیح دهنده‌ی تناسب حجم نمونه است. زمانی که مقدار KMO بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد، به راحتی می‌توان تحلیل عاملی انجام داد. هرچه این مقدار بیشتر باشد، به همان نسبت مناسب و کفایت نمونه‌برداری بهتر خواهد بود (هومن، ۱۳۸۰).

جدول ۷. مقادیر ویژه و درصد تجمعی واریانس ۶ عامل اصلی

عامل‌ها و سؤالات مربوط	مقادیر ویژه پس از چرخش	درصد واریانس تبیین شده	درصد تراکمی واریانس تبیین شده
۱) سؤالات شماره ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۹ (۴،۹)	۳/۰۱۴	۱۵/۰۷۱	۱۵/۰۷۱
۲) (۱،۲،۳) (۶،۷،۲۰)	۲/۴۶۹	۱۲/۳۴۵	۲۷/۴۱۶
۳) (۵،۱۷،۱۸)	۱/۸۲۸	۹/۱۴۱	۳۶/۵۵۷
۴) (۱۲،۱۳،۱۴)	۱/۷۳۰	۸/۶۵۰	۴۵/۲۰۷
۵) (۸،۱۵،۱۶)	۱/۷۰۰	۸/۴۹۸	۵۳/۷۰۵
	۱/۶۲۸	۸/۱۴۰	۶۱/۸۴۵

برای تعیین سازه‌های مقیاس مزبور از روش تحلیل عامل اکتشافی با چرخش واریماکس استفاده گردید. همان‌گونه که در جدول فوق (۷) مشاهده می‌شود مقادیر ویژه پس از چرخش در شش مولفه دارای مقادیر بالاتر از یک

می‌باشند، لذا بیشترین نقش را در تبیین واریانس داشته‌اند به طوری که به ترتیب عامل اول با بیشترین مقدار یعنی ۱۵/۰۷۱ درصد بیشترین و پس از آن عامل دوم با ۱۲/۳۴ در کنار سایر عامل‌ها مجموعاً ۶۱/۸ درصد تغییرات واریانس انگیزه‌مندی ازدواج را تبیین می‌کنند. بنابراین مجموعه دلایل ازدواج در این شش مؤلفه قابل تقلیل بوده و بقیه‌ی مؤلفه‌ها قابل حذف هستند.

جدول ۸. ماتریس عامل‌ها پس از چرخش

عامل‌ها	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش
دلایل ازدواج	۰/۰۱۹	-۰/۶۹۱	۰/۱۹۸	۰/۰۴۰	۰/۲۵۹	-۰/۰۲۷
نیاز به آرامش	۰/۰۱۹	-۰/۶۹۱	۰/۱۹۸	۰/۰۴۰	۰/۲۵۹	-۰/۰۲۷
داشتن همدم	-۰/۰۶۷	۰/۷۹۵	۰/۱۶۸	۰/۰۲۸	-۰/۰۰۹	۰/۱۹۸
نیاز به محبت	۰/۰۶۷	۰/۸۴۳	۰/۰۷۴	۰/۰۳۲	-۰/۰۰۴	۰/۰۶۹
ترس از آینده	۰/۶۲۰	-۰/۲۱۱	-۰/۰۰۴	۰/۲۹۳	۰/۰۰۷	۰/۰۳۳
تأمین جنسی	۰/۰۷۱	۰/۱۳۵	۰/۳۰۲	۰/۶۵۴	-۰/۰۶۷	-۰/۲۱۴
استقلال شخصی	۰/۱۸۳	-۰/۳۷۷	۰/۶۸۷	-۰/۰۳۰	۰/۰۵۵	-۰/۱۳۰
کامل شدن	-۰/۱۲۰	۰/۳۸۲	۰/۵۵۵	۰/۰۱۹	۰/۰۰۶	۰/۲۵۳
عمل به فرایض و سنت	-۰/۱۸۱	-۰/۰۲۵	۰/۳۸۲	-۰/۰۲۶	۰/۲۰۵	۰/۴۹۸
فرار از خانه‌ی پدری	۰/۷۶۸	۰/۰۱۱	۰/۲۰۴	۰/۰۹۲	۰/۱۳۵	-۰/۱۲۷
فشار خانواده	۰/۷۳۳	-۰/۱۴۱	۰/۰۴۳	۰/۱۳۴	-۰/۰۱۱	۰/۱۸۷
حمایت مالی اقتصادی	۰/۷۰۲	-۰/۱۲۰	۰/۱۸۹	۰/۰۴۳	۰/۱۵۰	۰/۱۶۲
همراهی و تأیید	۰/۱۶۳	۰/۰۰۲	۰/۳۰۲	۰/۱۲۷	۰/۷۴۱	۰/۰۸۳
هویت اجتماعی	۰/۰۵۸	۰/۱۵۹	۰/۱۸۲	۰/۵۲۵	۰/۵۷۴	۰/۱۶۷
احساس تنهایی	۰/۳۷۴	۰/۲۵۱	-۰/۰۹۴	-۰/۰۹۶	۰/۶۲۲	۰/۲۲۲
نیاز به تکیه‌گاه	-۰/۰۰۱	۰/۳۶۳	-۰/۱۰۳	۰/۰۰۹	۰/۲۱۴	۰/۶۳۹
نیاز به دلیل ندارد	۰/۲۳۵	۰/۱۱۲	۰/۰۹۱	۰/۱۰۱	-۰/۱۲۷	۰/۷۳۶
بالا رفتن سن	۰/۴۴۴	-۰/۱۱۲	۰/۰۷۵	۰/۵۹۴	-۰/۰۷۸	۰/۲۳۲
والد شدن	۰/۱۷۳	-۰/۰۲۱	-۰/۰۲۵	۰/۶۸۲	۰/۳۵۹	۰/۱۱۲
احساس روزمرگی	۰/۶۸۰	۰/۱۲۹	۰/۰۷۶	۰/۰۸۶	۰/۲۱۴	-۰/۱۵۲
کسب پذیرش	۰/۰۳۲	۰/۰۴۴	۰/۷۰۴	۰/۲۲۴	۰/۱۸۹	۰/۰۸۸

جدول ۸ عامل‌های دوران داده‌شده براساس روش دوران متعامد و ریماکس را نشان می‌دهد. براساس این جدول چرخش و ریماکسی بیان می‌کند که متغیرهای مشخص شده سهم بیشتری در عامل‌های اول تا ششم دارند. هم-بستگی‌ها در ذیل هر عامل در جدول به تناسب هر شاخص ارتباط عناصر تشکیل دهنده‌ی آن را مشخص می‌سازد که در عامل شماره‌ی یک، دلایل فرار از مشکلات خانه‌ی پدری (۰/۷۷) فشار خانواده و اطرافیان (۰/۷۳) نیاز به حمایت مالی و اقتصادی (۰/۷۰) احساس روزمرگی (۰/۶۸) ترس از آینده (۰/۶۲) بالا رفتن سن (۰/۴۴)

احساس تنهایی (۰/۳۷) بالاترین همبستگی‌ها را نشان می‌دهند. همان‌طور که از موارد مزبور برمی‌آید اینها عموماً جنبه‌های اجبارگونه و اضطراری از گرایش به ازدواج را می‌دهند، لذا می‌توان آن‌را تحت عنوان انگیزه‌های نامناسب یا منفی ازدواج برشمرد.

هم‌چنین در عامل شماره‌ی دو همبستگی دلایل ذیل آن به‌ترتیب شامل؛ نیاز به محبت و صمیمیت (۰/۸۴) نیاز به داشتن همدم (۰/۷۹) و نیاز رسیدن به آرامش (۰/۶۹) همگی به جنبه‌های مثبت و عاطفی ازدواج اشاره می‌کنند، لذا می‌توان این عامل را بُعد عاطفی دلایل یا انگیزه‌های عاطفی ازدواج نامید. عامل شماره‌ی سه را که در آن انگیزه‌های کسب پذیرش و مقبولیت اجتماعی (۰/۷۰) رسیدن به استقلال شخصی (۰/۶۹) و رسیدن به رشد و کمال (۰/۵۶) بیشترین همبستگی را با آن نشان می‌دهند، می‌توان بُعد روانی یا انگیزه‌های روان‌شناختی ازدواج نام نهاد. در عامل شماره‌ی چهار، سه انگیزه‌ی تأمین نیاز جنسی (۰/۶۵) - والد شدن و داشتن فرزند (۰/۶۸) - بالا رفتن سن (۰/۵۹) همبستگی بالایی را با این بُعد نشان می‌دهند، از این‌رو این بُعد را می‌توان انگیزه‌های زیستی ازدواج نام نهاد و به‌عنوان بخشی از فرآیند زیستی آن در نظر گرفت. در عامل شماره‌ی پنج، سه انگیزه‌ی نیاز به همراهی و تأیید (۰/۷۴) فرار از احساس تنهایی (۰/۶۲) و کسب هویت اجتماعی (۰/۵۷) همبستگی بالایی را با این بُعد نشان می‌دهند از این‌رو این بُعد را می‌توان انگیزه‌های اجتماعی ازدواج نام نهاد و به‌عنوان بخشی از فرآیند اجتماعی شدن و نیل به هویت زوجی تصور نمود. در عامل شماره‌ی شش، نیازنداشتن به دلیل برای ازدواج و طبیعی پنداشتن آن (۰/۷۴) بالاترین همبستگی را با این بُعد نشان می‌دهند. به‌نظر می‌رسد بدیهی پنداشتن ازدواج می‌تواند خود بُعدی از چرایی ازدواج نزد افراد باشد که در اینجا آن را انگیزه‌ی بدیهی برای ازدواج می‌نامیم. این انگیزه همراه با دو مورد دیگر یعنی نیاز به تکیه‌گاه (۰/۶۴) و عمل به فرائض و سنت‌ها (۰/۵۰) همبستگی زیادی با عامل مزبور نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف یافتن انگیزه‌ها و دلایل افراد برای ازدواج طراحی و اجرا گردید. نتیجه‌ی سنجش مقیاس کلی نشان داد که اکثریت افراد مورد بررسی به‌طور متوسط از میزان انگیزه‌مندی قابل قبولی برای ازدواج برخوردار بوده و تفاوت‌های سنی، جنسی و تحصیلی در این میان نقشی نداشته است. این پاسخ پرسش اول پژوهش بود. در یافته‌های قبلی در خصوص میزان رغبت دانشجویان مجرد (عبداله زاده، ۱۳۸۵) مشخص شده که دختران بیش از پسران به ازدواج رغبت داشته در حالیکه نگرانی پسران نسبت به پیامدها و موانع ازدواج منفی‌تر از دختران بوده است. به‌نظر می‌رسد در گروه نمونه‌ی مورد بررسی تحقیق حاضر که در آستانه‌ی ازدواج قرار داشته‌اند این تفاوت برطرف شده؛ چراکه در این مرحله احتمالاً افراد از موانع اولیه‌ی ازدواج گذشته و خود را برای مواجهه با پیامدهای احتمالی آن آماده کرده‌اند.

در پاسخ به پرسش دوم، تحلیل عاملی شش عامل اصلی در مقیاس انگیزه‌مندی ازدواج را نشان داد. این شش عامل در واقع شش بُعد انگیزه‌مندی ازدواج را شکل داده‌اند که به‌ترتیب شامل: انگیزه‌های نامناسب یا منفی ازدواج شامل مؤلفه‌های؛ ترس از آینده - فرار از مشکلات خانه‌پدری - فشار خانواده و اطرافیان - نیاز به حمایت مالی و اقتصادی - احساس تنهایی - بالا رفتن سن - احساس روزمرگی که همگی به نوعی بر جنبه‌های اضطراری و اجبارگونه ازدواج دلالت دارند. موارد مزبور هم‌خوانی زیادی با آنچه که پاروت (۱۹۹۸) و اولسون (۱۹۹۹) از آن

به‌عنوان دلایل منفی یا اشتباه ازدواج یاد کرده‌اند، نشان می‌دهد. انگیزه‌های عاطفی یا بُعد هیجانی در مرتبه‌ی دوم دلایل ازدواج قرار دارد و به جنبه‌های مثبت و عاطفی ازدواج اشاره می‌کند که این نیز با موارد نظریه‌پردازان قبلی هم‌خوانی دارد؛ اما سایر انگیزه‌ها که نسبت به تحقیقات قبلی (منصوریان، ۱۳۸۸) در مراتب اهمیت پایین‌تری قرار می‌گیرند شامل انگیزه‌های روان‌شناختی یا بُعد روانی ازدواج - انگیزه‌های زیستی - انگیزه‌های اجتماعی و انگیزه‌ی بديهی (که به‌نظر می‌رسد می‌تواند خود بُعدی از چرایی ازدواج نزد افراد باشند) می‌گردد.

اما همان‌گونه که انتظار می‌رود از لحاظ میزان اهمیت هر یک از دلایل ۲۰ گانه تفاوت معناداری میان افراد مشاهده می‌شود، به‌طوری‌که «نیاز به محبت، عشق و صمیمیت» بالاترین اهمیت و اولویت را برای افراد داشته که این پاسخ پرسش سوم این تحقیق بود. پس از آن به ترتیب موارد «نیاز به داشتن تکیه‌گاه»، «داشتن یک همدم، مصاحب و هم‌نشین»، «رسیدن به آرامش» و «رسیدن به کمال و رشد» در رتبه‌های بعدی بیشترین اهمیت قرار می‌گیرند. این یافته با آنچه دیگر محققان (اولسون ۱۹۹۹؛ رایس ۲۰۰۰؛ پاروت ۱۹۹۸؛ سیمپسون ۱۹۸۶) به‌عنوان مهم‌ترین دلایل مثبت ازدواج ذکر کردند، قابل تطبیق است. همان‌گونه که آمد (اولسون ۱۹۹۹؛ ویلکاکس و دیو، ۲۰۱۰) تغییر ازدواج از نهادی سنتی به ازدواج دوستانه که در آن تأکید بر انتخاب از روی عشق و رضایت هیجانی است، پیش‌آگهی خوبی برای یک ازدواج موفق نخواهد بود و به تعارض و طلاق منجر می‌گردد. در تبیین این نتیجه می‌توان آن‌را واکنشی در برابر ازدواج‌های تحمیلی و سنتی دانست که در آن ازدواج از پیش ترتیب داده شده حاصل از اقتدارگرایی والدین و فشار سنت‌ها است؛ زیرا بر اساس یافته‌ها (پترسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) بین اقتدارگرایی با نظر افراد در مورد اهمیت عشق و عواطف در انتخاب شریک ارتباط منفی وجود دارد که این با حفظ سنت‌ها در نظر افراد نیز مرتبط است.

از دیگر نتایج همسو با تحقیقات قبلی (اولسون، ۱۹۹۹؛ سراج زاده، ۱۳۸۵؛ ایلدرآبادی، ۱۳۸۵؛ صداقت، ۱۳۸۵) می‌توان به تفاوت اهمیت و اولویت هر یک از دلایل ازدواج بین دختران و پسران اشاره کرد؛ به‌طوری‌که پسران «داشتن تأمین جنسی»، «بالا رفتن سن»، «والد شدن و داشتن فرزند» و همچنین «احساس روزمرگی، خستگی بی‌هدفی» را دلایل مهم‌تری برای ازدواج خود دانسته‌اند و دختران تنها در یک دلیل (نیاز به تکیه‌گاه) تفاوت معناداری با پسران، نشان داده‌اند.

هم‌چنین دریافته‌ایم که با افزایش سن انگیزه‌های مادی از جمله «تأمین جنسی» و «ترس از پیرشدن» در گرایش به ازدواج تعیین‌کننده‌اند که این بیانگر جنبه‌های اضطراری ازدواج با تأخیر سنی است. علاوه بر این در مقایسه‌ی سطوح تحصیلی به دو گرایش عمده رسیدیم که در میان افراد با تحصیلات آکادمیک «رسیدن به کمال و رشد» به‌عنوان بُعدی شناختی در گرایش به ازدواج و در سطوح پایین تحصیلی نیاز به حمایت مالی و اقتصادی که جنبه‌ی مادی دارد، در اولویت قرار می‌گیرند.

در یک جمع بندی کلی ملاحظه‌گردید بُعد انگیزه‌های نامناسب برای ازدواج از سهم بیشتری در میان سایر ابعاد برخوردار بوده که این می‌تواند خود پاسخی بر روند افزایش جدایی‌ها و ناسازگاری بین زوجین بعد از ازدواج باشد. هم‌چنین چنان‌چه بُعد عاطفی و هیجانی انگیزه‌مندی ازدواج را که خود به تنهایی دلیلی ناکافی برای ازدواج محسوب می‌شود به دلایل فوق اضافه‌کنیم، نزدیک به نیمی از تغییرات واریانس مربوط را دربرمی‌گیرد و این به

1. Peterson. B

تعبیری می‌تواند میزان ریسک این نوع ازدواج‌ها را نشان دهد. از محدودیت‌های این تحقیق شرکت نکردن برخی از آزمودنی‌ها در پژوهش و استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس در نتیجه‌ی دقت در تعمیم داده‌ها به جوامع متشابه می‌باشد. از زمینه‌های کاربردی نتایج این تحقیق می‌توان به فراهم آوردن پرسش‌نامه‌ای برای شناسایی انگیزه‌های ازدواج افراد و ابعاد مختلف دلایل آن اشاره کرد که قابل استفاده برای مشاوران و روان‌شناسان در جلسات مشاوره‌ی پیش از ازدواج و زوج درمانی خواهد بود ضمن این‌که سایر محققان نیز از نتایج آن می‌توانند استفاده کنند. در بُعد اخلاق پژوهشی و توجه به حقوق آزمودنی‌ها نتایج آزمون را به تناسب مطالبه‌کردن و هماهنگی‌های قبلی در یک جلسه‌ی مشاوره با زوجین برای آنها تبیین می‌گردید و چالش‌ها و نقاط آسیب‌زای انگیزه‌های آزمودنی‌ها برای کسب بینش و بصیرت و رسیدن به خودآگاهی زوجین بازخورد لازم به آنها ارائه گردید.

سپاس و قدردانی

در پایان پژوهشگران وظیفه‌ی خود می‌دانند از کلیه‌ی آزمودنی‌هایی که در اجرای این تحقیق شرکت داشته و صادقانه همکاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی کنند.



- اولسون، دیوید؛ دفرین، جان و اولسون، امی. (۱۹۹۹). *مهارت‌های ازدواج و ارتباط زناشویی کارآمد*. (ترجمه احمدرضا بحیرایی، نادر فتحی، ۱۳۸۲). چاپ اول. تهران: انتشارات روانشناسی و هنر.
- اولسون، دیوید. (۲۰۰۲). *توانمند سازی همسران*. (ترجمه کامران جعفری نژاد و منصوره اردشیرزاده، ۱۳۸۳). چاپ اول. تهران: ناشر سازمان بهزیستی کشور.
- ایروانی، محمد رضا (۱۳۸۹). *بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش احساسی به نگرش منطقی جوانان نسبت به انتخاب همسر در سطح شهر شهرضا*. اولین همایش کشوری علمی - تحلیلی آموزش پیش از ازدواج. سازمان بهزیستی با همکاری دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۸۵-۸۵.
- ایلدربادی، اسحق؛ عباس زاده، محمد؛ اسدی، الهه و خزاعی، حسین علی (۱۳۸۵). *مقایسه دیدگاه دانشجویان پسر و دختر پیرامون ازدواج*. دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، ۶۶-۶۶.
- بهزاد، داود (۱۳۸۹). *بررسی نیازهای آموزشی پیش از ازدواج دانشجویان، پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*. دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم با همکاری دانشگاه شاهد و علوم پزشکی ایران، ص ضمیمه.
- بهزاد، داود (۱۳۸۹). *ازدواج معادله ای چند مجهولی*، اولین همایش کشوری علمی - تحلیلی آموزش پیش از ازدواج، سازمان بهزیستی با همکاری دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۷-۷.
- بهمنی، بهمن؛ عسگری، علیرضا و نصیری، زهره (۱۳۸۹). *ویژگی های روان سنجی پرسشنامه باورهای غیرمنطقی ازدواج موفق*. پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. دفتر مرکزی مشاوره وزارت علوم با همکاری دانشگاه شاهد و علوم پزشکی ایران، ۴۰-۴۰.
- دادخواه، زرین (۱۳۸۳). *بررسی عوامل انگیزه ازدواج افراد نابینا و مقایسه آن با افراد بینا*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- ریو، جان. مارشال (۲۰۰۵). *انگیزش و هیجان*. (مترجم یحیی سید محمدی، ۱۳۸۹). تهران: نشر ویرایش.
- رایس، فلیپ (۲۰۰۱). *رشد انسان*. (ترجمه مهشید فروغان، ۱۳۸۷). تهران: نشر ارجمند. چاپ دوم.
- سراج زاده، حسن وجواهری، فاطمه (۱۳۸۵). *نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و خانواده*. دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، ۲۱۸-۲۱۸.
- صداقت، کامران؛ قریشی، فخرالسادات و اسفندیار، یوسف (۱۳۸۵). *بررسی ملاک‌های انتخاب همسر دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تربیت معلم آذربایجان*. دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، ۲۴۶-۲۴۶.

عبداله زاده، حسن و شمس پور، زهرا (۱۳۸۵). *اعتبار و پایایی پرسشنامه پرساد و میزان رغبت به ازدواج در دانشگاه های شهر دامغان*. دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، ۲۶۶-۲۶۶.

فقیر پور، مقصود (۱۳۸۴). *مشاوره قبل از ازدواج*. گیلان: نشر رستگار. چاپ اول.
کلینک، کریس. ال (۲۰۰۰). *رویارویی با چالشهای زندگی و فن آوری*. (ترجمه علی محمد گودرزی، ۱۳۸۲). تهران: نشر خدمات فرهنگی رسا. چاپ اول.

منصوریان، علی اکبر (۱۳۸۹). *بررسی میزان آگاهی و نگرش دختران و پسران ۱۸-۳۵ ساله شهرستان دامغان در خصوص همسرگزینی و ملاک های انتخاب همسر*. اولین همایش کشوری علمی-تحلیلی آموزش پیش از ازدواج. سازمان بهزیستی با همکاری دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۱۰۳-۱۰۳.

مهین ترابی، سمیه (۱۳۸۷). *بررسی تاثیر آموزش های شناختی-رفتاری بر تعدیل انتظارات غیرمنطقی و نارضایتی زناشویی در زنان*. سومین کنگره ملی و اولین کنگره بین المللی آسیب شناسی خانواده دانشگاه شهید بهشتی، ۲۴۳-۲۴۳.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۰). *تحلیل داده های چندمتغیری در پژوهش رفتاری*. تهران: پارسا.

Arcus, M. E. (1995). *Encyclopedia of Marriage and Family*. Vol.1, Macmillan, New York.

Barrington, H. B. (2005). *Essentials for Marriage Preparation*. Available at: www.soencouragement.org.

Campbell, K., & Wright, D. (2010). Marriage today: Exploring the incongruence between Americans' beliefs and practices. *Journal of Comparative Family Studies*, 41(3), 329-345.

Larson, J. H. (2002). *Should We Marry or Not?* © By the AAMFT.

Parrott, L. and Parrott, L., Eds. (1998). *Getting Ready for the Wedding*, Zondervan/HarperCollins.

Maass, V.S. (2008). *Lifestyle Change*. Vol.1 Taylor & Francis Group, LLC, New York.

Olson, D. H., Defrain, j. & Olson A. K. (1999). *Building Relationships: Developing Skills for Life*. Minneapolis: life innovations, Inc.

O'reilly, S., Knox, D., & Zusman, M. (2009). What college women want in a marriage partner. *College Student Journal*, 43(2), 503-506.

Parker, R., & Vassallo, S. (2009). Young adults' attitudes towards marriage. *Family Relationships Quarterly*, 12, 18-21.

- Peterson, B. E., Kim, R., McCarthy, J. M., Park, C. J. & Plamondon, T. L. (2011). Authoritarianism and arranged marriage in Bangladesh and Korea., *Journal of Research in Personality*, In Press, Corrected Proof.
- Qu, L., & Weston, R. (2007). Family statistics and trends: Attitudes towards marriage and cohabitation. *Family Relationships Quarterly*, 8, 5–10.
- Reeve J, M. (2005). *Understanding Motivation and Emotion*, John Wiley & Sons Inc.
- Rice, Philip. (2000). *Human development: life span approach*. 4th edition, Prentice Hall pub.
- Simpson, J. Campbell, A & Berscheid, E. (1986). The Association between Romantic Love and Marriage. *Personality and Social Psychology Bulletin* 12:363-372.
- Servaty, L& Weber, K .(2011) The Relationship between Gender and Attitudes towards Marriage. *Journal of Student Research*. 45(1), 1-17.
- Stevenson, B., & Wolfers, J(2007). Marriage and Divorce: Changes and their Driving Forces. *Journal of Economic Perspectives*, 21(2), 27-52.
- The 14th Japanese National Fertility Survey (2010) .Attitudes toward Marriage and Family among Japanese Singles. National Institute of Population and Social Security Research. Available at: <http://www.ipss.go.jp/index-e.asp>
- Wilcox, W. B., & Dew, J. (2010). Is love a flimsy foundation? Soul mate versus institutional models of marriage. *Social Science Research*, 39(5), 687-699.